

شیدای ملکوت

محمد رضا تنکابنی (۱۲۸۲ - ۱۳۸۵ قمری)



نویسنده: استاد ناصر باقری بیدهندی

انتشار: وبگاه رسمی استاد ناصر باقری بیدهندی

www.baqeribidhendi.ir

منبع: فرهیختگان تمدن شیعه nbo.ir

ولادت و تحصیلات

آیت الله شیخ محمدرضا تنکابنی یکی از ستارگان درخشان آسمان علم و دانش است. او در سال ۱۲۸۲ قمری در خاندان علم و فضیلت و کانون گرم خانواده ی اصیل در روستای «دریا پیشه» نزدیکی رامسر در خانواده ای روحانی دیده به جهان گشود.

در چهار سالگی پدر گرامی خود را از دست داد. در فاصله ی اندک مادر علویه اش نیز بدرود حیات گفت. ایشان در غم فقدان والدین، سوگوار گردید.

وی تحت سرپرستی عمه ی مهربان خویش، مسیر دانش و دیانت را دنبال کرد. نخست به رسم آن زمان به مکتب خانه رفت و خواندن و نوشتن و مقداری قرائت قرآن و ادعیه را آموخت. پس از گذراندن این مرحله، برای فراگیری علوم دینی در سال ۱۲۹۱ قمری در یکی از مدارس علمیه مشغول تحصیل شد و به پی گیری تحصیلات علوم دینی پرداخت.

در سال ۱۳۰۱ همراه برادر بزرگوار خود مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد حسین تنکابنی عازم قزوین که حوزه ای پررونق داشت شد و در مدرسه ی التفاتیه، مسکن گزید و تحصیلات خود را دنبال کرد.

حدود سال ۱۳۰۳ جهت تداوم تحصیلات در نجف، مرکز علمی جهان تشیع، به اتفاق برادر خود به بزرگ ترین مرکز علمی شیعه، نجف اشرف هجرت کرد و در جلسات درس اساتید سرشناس و وارسته ی حوزه ی کهن سالِ نجف شرکت جست و مبانی علمی خویش را استوار ساخت.

استادان

طی سال های زیادی که در حوزه ی پربرکت نجف به تحصیل و خودسازی مشغول بود. از محضر استادان سرشناس بسیاری بهره برد و نهال جان و فکر خویش را بارور ساخت. شماری از آن آیات عظام که نام آنان به ما رسیده است عبارت اند از:

میرزا حبیب الله رشتی (متوفای ۱۳۱۲ قمری) (در فقه)

آخوند محمد کاظم خراسانی (متوفای ۱۳۲۹ قمری) (در اصول)

ملا علی نهایندی

حاج میرزا حسین میرزا خلیل (متوفای ۱۳۲۶ قمری)

حاج آقا رضا همدانی (متوفای ۱۳۲۹ قمری)

آقا شیخ عبدالله مازندرانی

آقا سید محمد کاظم یزدی متوفای ۱۳۳۷ قمری

مقتدای عارفان و آخوند ملا حسین قلی همدانی (۱۳۲۱ - ۱۲۳۹ قمری)

بازگشت به ایران

آیت الله تنکابنی پس از سال ها تلاش مستمر در کسب علم و فضیلت و اندوختن تجربه های سودمند و آشنایی با علوم و فنون مختلف و دریافت اجازه ی اجتهاد از آخوند خراسانی و دیگران در سال ۱۳۱۹ قمری به تهران که از مراکز علمی ایران قبل از تأسیس مجدد قم بود، عزیمت کرد و مورد استقبال علما قرار گرفت و در آن جا رحل اقامت افکند.

تشکیل خانواده

اواخر سال ورود به تهران با کریمه ی مرحوم آقا ابوالحسن تاجر اصفهانی ازدواج کرد. ثمره ی این وصلت، شش پسر و یک دختر شد.

ثمره ی ازدواج دوم با دختر مرحوم آیت الله آقا سید عبدالکریم لاهیجی نیز یک پسر و دو دختر بوده است. فرزندان معظم له در میان مردم به اعزاز و اکرام تمام به سر می بردند و به ارشاد و نیز چاره جویی و حل دشواری های زندگانی هم نوعان می پرداختند.

فرزندان ذکور

فرزندان ذکور آیت الله تنکابنی عبارت اند از:

۱ - محمدعلی که در کودکی فوت شده است.

۲ - مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج میرزا ابوالقاسم فلسفی (۱۳۲۴ - ۱۳۷۱) که از علمای تهران به شمار می رفت و سطوح را تدریس می کرد و نیز دفتر اسناد و ثبت ازدواج داشت. بعد از وفات در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی، علیه السلام، به خاک سپرده شده است. [۱]

۳ - عالم فرزانه و خطیب یگانه مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدتقی فلسفی، متولد ۱۳۲۶ و متوفای ۱۴۱۹ قمری. او با اصرار و پافشاری مادر، به منبر روی آورد و از سنین کودکی به کار وعظ اشتغال داشت. ایشان با شناختی که از زمان خود و مقتضیات آن داشت، بر کرسی وعظ قرار گرفت و با بیانات پرجاذبه و شیرین خود بر روان و اندیشه ی مستمعان تأثیر فراوان می گذاشت. از ویژگی های بارز او اطاعت محض و بی چون و چرای وی از ولایت و مرجعیت عالی شیعه بود. در طول دوران مبارزات ملت ایران با سخنرانی خود، به افشاگری بر ضد چهره کریه ظلم و ستم پهلوی پرداخت و از رهبری نهضت حمایت کرد. رژیم پهلوی بارها او را ممنوع المنبر و تحت فشار قرار داد.

کم نیستند گویندگانی که در کلاس درس سخنوری این خطیب ماهر تربیت شدند و کم نیستند انسان هایی که از سخنان هدایت گر و مواعظ اثرگذار و نصایح آرام بخش او بهره گرفته اند. دانشمند فقید فلسفی علاوه بر بیان رسا و زبان گویا، قلم شیدایی نیز داشت که با آثار قلمی خود به غنای کتاب خانه ها افزود.

گفتار فلسفی مجموعه کتاب های ارزشمندی است که قسمتی از مطالب آن ها را آن مرحوم در خلال بعضی از سخنرانی ها ایراد فرموده است. آن ها عبارت است از:

- کودک از نظر وراثت و تربیت (دو جلد)، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۴۱ -
۱۳۴۲.

- جوان از نظر عقل و احساسات (دو جلد)، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۴۴ -
۱۳۴۸.

- بزرگ سال و جوان از نظر افکار و تمایلات (۲ جلد)، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی،
۱۳۵۲.

- آیت الکرسی پیام آسمانی توحید (یک جلد)

- اخلاق از نظر همزیستی و ارزش های انسانی (دو جلد)، تهران، هیئت نشر معارف
اسلامی، ۱۳۵۶.

- معاد از نظر روح و جسم، (سه جلد)، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۶۰.

- سخن و سخن وری از نظر بیان و فن خطابه، تهران، الحدیث ۱۳۶۸.

- شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق، (۲ جلد)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.

برخی از این آثار به عربی ترجمه شده است و شماری از آن ها تلخیص شده است. [۲]

۴ - مرتضی فرید متولد ۱۳۳۲ قمری، دارای دفتر اسناد رسمی در تهران.

۵ - آیت الله حاج میرزا علی آقا فلسفی (۱۲۰۰ شمسی ۱۳۸۴ شمسی، از مدرسان
نامی و برجسته ی خارج فقه و اصول در مشهد مقدس و از شاگردان حضرات آیات آقا
شیخ محمدعلی کاظمینی و آیت الله سید ابوالقاسم موسوی خویی و آقا سید محمود
شاهرودی و آقا سید محسن حکیم.

این مدرس نامی در سال ۱۳۸۴ شمسی در سن ۸۵ سالگی چشم از جهان فرو بست و
پس از تشییعی باشکوه در حرم امام رضا، علیه السلام، دفن شد. [۳] مراجع عظام و
بسیاری از مقامات روحانی در بزرگداشت مقامش پیام هایی صادر کردند.

۶ - جناب مهدی فلسفی، متولد ۱۳۴۳ قمری، دبیر دبیرستان های تهران.

۷ - دکتر احمد فلسفی، متولد ۱۳۴۸ قمری، دندان پزشک.

دامادهای آن مرحوم

آقایان حجج اسلام حاج سید مرتضی مرتضوی و مرحوم حاج آقا مصطفی مسجد جامعی و مرحوم حاج شیخ محمد تنکابنی، دامادان آن مرحوم هستند.

بر کرسی تدریس

آیت الله تنکابنی به تهران سفر کرد و به منزل برادر بزرگ خود آقا شیخ محمدحسین - که به دلیل کسالت، زودتر از نجف به تهران آمده و در مسجد آباد به برگزاری نماز جماعت و ارشاد خلق مشغول بود - وارد شد. در ملاقات علمای تهران با ایشان، مباحثی مطرح و قدرت و موقعیت علمی ایشان معلوم شد و پس از مدت کوتاهی به عنوان یکی از چهره های علمی شناخته شد.

ایشان در تهران، نخست در مدرسه ی محمدیه اول بازار تهران و پس از آن در مسجد جامع و سرانجام در سال ۱۳۲۴ در مدرسه ی فیلسوف الدوله واقع در جنب امام زاده سید اسماعیل تدریس و به اقامه ی نماز جماعت در مسجد فیلسوف الدوله پرداخت. منزلی از موقوفات این مدرسه در قبال حق التدریس، در اختیار ایشان گذاشته شد.

شماری از شاگردان

ایشان جزء اولین شاگردان آخوند خراسانی بود که به تهران وارد شده بود و حرف های تازه ای برای گفتن داشت. لذا موفق به تربیت شاگردان ممتازی، از جمله حضرات آیات و حجج اسلام آخوند ملاعلی معصومی همدانی و میرزا هاشم آملی و آقا سید ابوالقاسم اریب و حاج شیخ علی مقدسی و شیخ محمدعلی لنکرانی و سید جلال الدین آشتیانی و فرزند فقیهش حاج شیخ علی فلسفی و حضرات آقایان سید جلال الدین تهرانی و میرزا عبدالکریم حق شناس تهرانی و دکتر ابوالقاسم گرجی، سید هاشم مفخم و دکتر

محمود فاضل یزدی و خداداد صابر شد.

معاشرت با مردم و خانواده

آن مرحوم بسیار مهربان بود. با دیگران با محبت و رفاقت رفتار می کرد. چهره ی خندانی با مؤمنان داشت و با آنان انس می گرفت و در مجالس آنان شرکت می جست. استاد محمدتقی فلسفی (ره) در این زمینه می گوید:

مرحوم پدرم بسیار متواضع و مؤدب بودند. تمام اشخاصی که ایشان را می شناختند و با آن بزرگوار برخورد داشتند، تواضع آن مرحوم در نظر آنان از شاخص ترین وجوه اخلاقی ایشان به شمار می رفت. در برابر واردین به منزل، قیام می کردند. هر کس در راه با او برخورد می کرد و به وی سلام می کرد، به اندازه ی یکی دو دقیقه به احترام او می ایستادند و از او احوال پرسی می کردند، بعد او را ترک می گفتند.

همیشه متبسم بودند و کم تر خشمگین می شدند. در داخل منزل با همسر و فرزندان شان با کمال ادب رفتار می کردند. هیچ یک از فرزندان خاطره ی تلخی از ایشان ندارند؛ زیرا، ایشان به اوج و احترام آنان بسیار اهمیت می دادند.

در درجه ی اول توجه زیادی به مسائل علمی و درس های خود داشتند و در درجه ی دوم علاقه مند به امور عبادی بودند. هر روز مقید به تلاوت چند آیه از قرآن کریم بودند و در مواقعی هم از توجه به ادعیه غفلت نداشتند. نمی توانم بگویم نماز شب از ایشان فوت نمی شد، اما در بسیاری مواقع از نافلة شب غافل نبودند.

دست خط ایشان در اسناد و مدارک ملکی مردم به عنوان وقوع یا اعتراف معامله زیاد است. دفترچه ای هم از درس دوره ی اول مرحوم آیت الله آخوند خراسانی دارند که هم اکنون در اختیار برادرم آیت الله آقای حاج میرزا علی فلسفی است که در مشهد مقدس به سر می برند. [۴]

ارتباط با شخصیت ها و جریان های سیاسی

ایشان می گوید:

مرحوم پدرم در حوادث مشروطه وارد نشدند. توجه ایشان فقط و فقط به درس گفتن و پرورش طلاب معطوف بود. مرحوم آیت الله سید حسن مدرس به اعتبار همین سرمایه علمی، برای ایشان احترام زیاد قائل بود. پدرم نیز به منزل مرحوم مدرس می رفتند و مرا هم به همراه خود می بردند. آقای مدرس نیز به بازدید ایشان می آمد.

در بلوایی که رضاخان می خواست به نام جمهوری راه بیندازد، مرحوم مدرس پدرم و عمویم را در سیاست داخل کرد. در آن زمان آقایان علما به دستور مرحوم مدرس در مجلس متحصن شدند و مردم هم در میدان بهارستان در مخالفت با توطئه ی رضاخان شعار «ما جمهور نمی خواهیم» را سر دادند.

چون ایشان در امور سیاسی وارد نبودند، بچه های ایشان هم اشتغال به مسائل سیاسی نداشتند؛ زیرا، علی القاعده بچه ها در مداری حرکت می کنند که پدر حرکت می کند.

ایشان بالطبع سر و کاری هم با دستگاه دولتی و عوامل آن نداشتند و نه کسی از مقامات دولتی به ملاقات شان می آمد و نه آن مرحوم با آنان کاری داشتند، فقط گاهی افراد مؤثری که مؤمن و معتقد بودند برای اطلاع از مسئله ی شرعی و کسب تکلیف در امور شخصی خودشان، نزد ایشان می آمدند، اما هیچ کس به عنوان مقام دولتی به دیدن وی نمی آمد. سیاست مداران مخالف هم به عنوان بحث در اطراف مسائل به منزل پدرم نمی آمدند. بیش تر طلبه ها می آمدند و فضای منزل را اغلب قیل و قال طلاب و بحث فقه و اصول پر می کرد.

در مشکلاتی که رضاخان برای روحانیان آن زمان پیش آورد، با مرحوم پدرم برخوردی نشد؛ زیرا، ایشان یک شخصیت بزرگ و از مجتهدان مسلم به شمار می رفت و از این رو بود که جواز لباس روحانیت و عمامه و سایر سخت گیر های شامل ایشان نشد، اما برای من و برادرم این مشکلات پیش آمد.

ایشان با مرحوم آیت الله کاشانی هم ارتباط داشتند. آقای کاشانی به ملاقات ایشان می آمد و ایشان نیز به منزل آن مرحوم می رفتند، ولی در جریان سیاست نفت و مصدق وارد نشدند. تنها در جریان غائله ی تصویب نامه ی انجمن های ایالتی و ولایتی زمان دولت نهم علم، چون می خواستند قید اسلام و قرآن را از قانون انجمن ها بردارند، ایشان قانع شدند که قضیه، شأن دینی دارد و مسئله ی سیاسی صرف نیست، خصوصاً دیدند که مرحوم آیت الله آقا شیخ محمدتقی آملی و آیت الله حاج سید احمد خوانساری نیز در این جریان وارد شده اند. به این دلایل دخالت مستقیم در آن مسئله را وظیفه ای مذهبی دانستند. لذا کاملاً وارد مبارزه شدند. پای اعلامیه ها را امضا کردند و در جلسات علمای بزرگ تهران برای جلوگیری از اجرای نقشه اجانب شرکت کردند [۵] که شرح آن در مقالات و کتب مربوط به نهضت روحانیت علیه رژیم پهلوی و نقش علمای بزرگ تهران آمده است.

مرحوم پدرم نظر بلندی نسبت به امام خمینی داشتند. ایشان را مجتهد عالی قدری می دانستند، اما نمی دانم در طول زندگانی، امام را ملاقات کرده بودند یا نه، ولی مسموعات پدرم از زبان افراد عالم و مجتهدان لایق، تمجید و تأیید مقام رفیع امام بود. در ایام پانزدهم خرداد و حادثه ی خونین مهمی که در میدان ارک اتفاق افتاد و خبر کشتار مردم را شنیدند، بی اندازه متأثر و متألّم گردیدند. پیوسته می فرمودند: «انا لله وانا الیه راجعون» و گاهی می گفتند: «لا اله الا الله! سبحان الله!» و «چقدر بدبخت اند مردمی که برای دو روز ریاست موقت محدود، مرتکب چنین جنایات بزرگی می شوند! گویی بویی از انسانیت استشمام نکرده اند! اعمال ضد انسانی مرتکب می شوند و هرگز پیش خود احساس شرم نمی کنند!».

از نگاه دانشوران

سخن درباره آیت الله تنکابنی را با گزیده ی کلمات ستایش آمیز جمعی از صاحب نظران پایان می دهیم:

علامه شیخ آقابزرگ در نقباء البشر، صفحه ۷۶۸ ایشان را از مشاهیر علمای تهران معرفی کرده است.

در معجم رجال الفكر و الأدب فی النجف خلال الف عام، جلد ۱، صفحه ۳۲۱ در مورد وی می خوانیم: «عالم فاضل مجتهد جلیل عارف، من مشاهیر علماء طهران، ورع قوی الایمان، سلیم النفس، طیب المعشر، فقیه متبحر».

رازی در گنجینه ی دانشمندان، جلد ۴، ضمن گزارشی از زندگی مرحوم تنکابنی آمده است: «مرحوم آیت الله والعلم العلام الفقیه الزاهد والمجتهد العابد جامع المعقول والمنقول، حاوی الفروع والأصول، حاج شیخ محمدرضا تنکابنی از علمای اعلام و مجتهدین کرام تهران بوده که در عصر خود اعلم و اتقی و ازهد و اورع دانشمندان مرکز بوده است.».

حائری سمایی در کتاب بزرگان رامسر، صفحه ۱۷۴ در شرح حال وی آورده است: «شیخ محمدرضا تنکابنی از علمای طراز اول و شیخ الفقهاء والمجتهدین عصر نگارنده بود... مرحوم شیخ محمدرضا تنکابنی از فقههای متبحر و دانشمندان کم نظیر قرن چهاردهم است. فردی سلیم النفس و خلوق و باتقوا بود و بسیاری از مشکلات رامسر به او مراجعه می شد.».

وفات و مدفن

معظم له پس از عمری دراز و سرشار از تلاش و خدمت به فرهنگ اسلام در سال ۱۳۸۵ قمری برابر با ۱۳۴۵ شمسی در ۱۰۳ سالگی دار فانی را وداع گفت و به رحمت الهی پیوست.

مرحوم آیت الله حاج سید احمد خوانساری (م ۱۴۰۵ قمری) بر پیکر آن عالم وارسته نماز گزارد و سپس بنا بر وصیتش فرزند برومند، آیت الله شیخ علی فلسفی جنازه را به نجف منتقل کردند و در قبرستان وادی السلام در جوار حضرت امیرمؤمنان علی، علیه السلام، و نزدیک بارگاه هود و صالح، علیه السلام، به خاک سپرد.

با وفات ایشان مجالس متعدد عزا و سوگواری از سوی آیات و بزرگان در نجف و تهران برگزار شد و بعضی از شاعران در رثای ایشان اشعاری سروده اند. از جمله شادروان علی اکبر خوشدل تهرانی قصیده ای با این مطلع سرود:

نی همین مردی فقیه و فحل نام آور گذشت بلکه یکتا ثلمه ای بر شرع پیغمبر گذشت

پاورقی:

[۱]. خاطرات و مبارزات حجه الاسلام فلسفی،

ص ۳۴، ۴۴، ۴۵؛ گنجینه ی دانشمندان، ج ۴،

ص ۴۱۰.

[۲]. برای آگاهی بیش تر ن.ک: خاطرات و مبارزات حجه الاسلام فلسفی، ص ۴۷ به بعد، گنجینه ی دانشمندان،

ج ۲، ص ۳۸۷، ۳۹۱؛ آینه ی دانشوران، با اضافات راقم سطور، ص ۶۴ - ۶۵؛ بزرگان رامسر، ص ۱۷۸؛ معجم

مؤلفی الشیعه، ص ۳۱۰؛ زبان گویای اسلام، حجه الاسلام محمدتقی فلسفی؛ اثر آفرینان، ج ۴، ص ۲۹۶؛

خطیب توانا از مهدی قیصری؛ یاران امام به روایت اسناد ساواک؛ دیوان انصاری، ص ۳۸۰؛ گنجینه ی یا کشکول

سیاح، ص ۷۱.

[۳]. درباره زندگی نامه سرفراز ایشان ر.ک: نگاهی کوتاه به حیات علمی مرحوم آیه الله حاج میرزا علی فلسفی؛

فقیه پارسا، جستار، ش ۱۱ و ۱۲؛ خاطرات و مبارزات حجه الاسلام فلسفی،

ص ۴۵؛ فقیه ربانی (مجموعه مقالات بزرگداشت آیه الله میرزا علی فلسفی)، گلشن ابرار، ص ۳۸۶.

[۴]. ر.ک: خاطرات و مبارزات حجه الاسلام فلسفی، ص ۳۵ - ۳۸.

[۵]. اعلامیه ی نامبرده در خصوص تصویب نامه ی انجمن های ایالتی و ولایتی در ص ۱۹ کتاب حجه الاسلام

محمدتقی فلسفی (به روایت تصویر) آمده است.